

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۲ مارچ ۲۰۱۷

## علیه بحران آفرینان در خوزستان متحد شویم و مبارزه را در خیابان ها گسترش دهیم

بحران ریزگرد (گردوخاک) و آلودگی هوا در بسیاری از شهرهای استان خوزستان (اهواز، آبادان، ماهشهر، هندیجان، امیدیه، رامشیر، سربندر، شاپور، سوسنگرد، حمیدیه، هویزه، بستان، شوش، شوشتر، اندیمشک، دزفول، مسجد سلیمان، ایذه و غیره) و در پی آن بحران قطع شدن برق و آب در اهواز و چند شهر دیگر و همچنین بحران عدم پرداخت مزدهای معوق و تعرض به دستاوردهای مبارزات کارگران و مزایای مربوط به شغل که در گذشته به دست آورده بودند، در مراکز صنعتی و کارگری صنایع فولاد- گروه ملی فولاد، لوله سازی، شرکت نفت، شهرداری ها، نیشکر هفت تپه، کاغذ پارس و ...)، بار دیگر این استان را در کانون توجه مردم ایران و جهان قرار داده است. بحران هائی که گرچه مسؤولان حکومت منشأ آنها را «بلايا و حوادث طبیعی و حتی نزول رحمت» و یا از عوارض «دشمنی شیاطین بزرگ و کوچک» ارزیابی می کنند. اما واقعیات عریان تر و انکارناپذیرتر از آن است که مسؤولان جمهوری اسلامی بتوانند آن را پنهان کنند. مسؤول مستقیم همه این وقایع و فجایعی که زندگی مردم خوزستان و همچنین محیط زیست را در خوزستان به نابودی کشانده است، نظام ضد انسانی و جنگ طلب سرمایه داری حاکم است. زمانی که این رژیم با کوبیدن بر طبل جنگ ضد مردمی، آتش بر خانه و کاشانه توده های مردم برمی افروخت و محیط زیست را جولان گاه نیروهای متخاصم قرار داده بود. زمانی که گردانندگان جمهوری اسلامی، جلگه حاصل خیز و سرسبز خوزستان را به میدان های کاشت مین و بمب و خمپاره و قتلگاه مردم بومی و سربازان هر دو سوی مرز قرار می دادند. آنگاه که رودخانه های پر آب و تالاب های شادگان و هورالعظیم در خوزستان و عراق را در خدمت جنگ قرار دادند و به سود تاکتیک های جنگی و نظامی. دو نیروی جنگ طلب در هر دو سوی مرز، مورد استفاده قرار می گرفت. آنگاه که بر دشت های پهناور هر دو سوی مرز گلوله های مرگ بار و بمب های کیمیائی می ریختند و زمین های شهر و روستا را در ایران و عراق به خاکستر تبدیل می کردند و پس از پایان جنگ نیز بدون کمترین توجهی به محیط زیست آسیب دیده از جنگ و لایروبی کردن رودخانه ها با طرح های غیر کارشناسانه به احداث سدهای غیر ضروری بر روی رودخانه ها اقدام می کردند و کم آبی در مسیر رودخانه ها را تشدید می کردند.

همان زمان کارگران آگاه و برخی سازمان های سیاسی مدافع آزادی طبقه کارگر و ضد جنگ، فریاد برمی آوردند که این جنگ ضد مردم و مخرب است و می گفتند حکومت های جنگ طلب ایران و عراق براساس منافع خود آن را برافروخته اند. همان زمان هشدار می دادند و این سیه روزی را که رژیم های جنگ طلب به وجود آورده اند پیش بینی می کردند. در همان ایام و در بستری دیگر که هزاران کارگر پالایشگاه آبادان با طنین افکن شدن صدای «فیدوس» پالایشگاه رکاب زنان به سوی محل کارشان می رفتند و چرخ صنعت نفت را به حرکت درمی آوردند. آن زمان که کارگران پس از فراغت از کار، تا پاسی از شب در خیابان های شهرداری و شاهپور آبادان و ایستگاه ۸ در محل سندیکای کارگران پروژه ای آبادان و در بسیاری از نقاط شهر آبادان در ستادها و چادرهای تبلیغاتی سازمان های سیاسی مدافع آزادی طبقه کارگر تجمع می کردند و به بحث و تبادل نظر می پرداختند و با سیاست های حاکمیت سرمایه داران و زمین داران آشنا می شدند. آری آن زمان هم رژیم ضد کارگری حاکم با وحشت از فضای انقلابی خوزستان، در تدارک توطئه ای بود که سنگرهای انقلاب را در خوزستان که هنوز در اختیار نیروهای مدافع انقلاب و طبقه کارگر بود، به تسخیر درآورد. سندیکای پروژه ای کارگران فصلی آبادان و حومه و شوراهای انقلابی و کارگران صنعت نفت آبادان، اهواز، ماهشهر، آجاجاری و مسجدسلیمان را که یادآور حماسه های اتحاد و توانمندی کارگران آگاه و متشکل بود، باید سرکوب می کردند و صدایشان خاموش می شد. شوراهای پر قدرت کارگران صنایع فولاد، ملی حفاری و دیگر مراکز کارگری را باید تار و مار می کردند که به زعم آنها یاد و خاطره شان نیز در اذهان کارگران فراموش شود. به همین دلیل بود که جنگ را «نعمت» قلمداد کردند که علاوه بر سوزاندن هر تبلوری از آبادی و توسعه بیابان ها در اطراف شهرها و روستا ها، پایگاه ها و مراکز تجمع کارگران متحد و متشکل که هنوز پرچم دفاع از انقلاب را با پافشاری بر مطالبات دموکراتیک و انقلابی کارگران و زحمتکشان بر افراشته نگه داشته بودند، نیز باید سرکوب می شدند. این کینه ورزی نسبت به انقلابیان به حدی بود که در اوج درگیری های روزهای نخست جنگ، شکار رفقای انقلابی ما را آغاز کردند و به جوخه های اعدام سپردند. اعدام رفیق پیکارگر شکرالله دانشیار مسوول چادر تبلیغات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر مستقر در ایستگاه ۲ را که فقط چند روز از آغاز جنگ نمی گذشت، هرگز فراموش نخواهیم کرد. هم چنان که پیش از جنگ با لشکر کشی به خرمشهر و آبادان به بهانه موهوم تجزیه طلبی، مردم زحمتکش عرب خوزستان را که هم در رژیم سابق و هم در جمهوری اسلامی به فراموشی سپرده شده بودند مورد سرکوب قرار دادند. اکنون مردم زحمتکش خوزستان (عرب - بختیاری و فارس) تاوان اتحاد و همبستگی و حماسه های تاریخ سازشان در سال های اول انقلاب ۵۷ و پس از آن را می پردازند. برای دشمنان مردم آلودگی هوا و تشدید گرد و خاک، «سونامی سرطان»، شیوع افسردگی و بیماری های روانی، آوارگی و بی خانمانی عارضه های قابل قبولی است که بنیان یک جامعه پیشرفته را سست می کند و میدان را برای چپاول و غارت سرمایه های اجتماعی هموار می سازد. کما این که تحت همین شرایط غیر قابل زیست بودن شهرهای خوزستان است که طبق آمار سالیانه چند هزار نفر از جمعیت شهرهای اهواز، آبادان و خرمشهر و ... به سایر نقاط ایران مهاجرت می کنند. بی اعتنائی و دشمنی مسوولان رژیم به مردم خوزستان را باید از زاویه پیشرو بودن کارگران و زحمت کشان در مخالفت با ستم و سرکوب این رژیم نیز ببینیم. این بی اعتنائی و دشمنی با مردم خوزستان تا حدی است که یکی از کارگزاران رژیم (موحدی کرمانی) اهمیت سوریه و حفظ آن را بیشتر از اهمیت و حفظ خوزستان می داند.

همین توده های مردم خوزستان که در شهر و روستا با آلودگی و ریزگرد و قطع شدن برق و آب زندگیشان مورد تهدید قرار می گیرد، همان کسانی هستند که در کارخانه و مراکز کارگری (گروه ملی فولاد، شرکت نفت و ...) با انواع فشارها و تبعیض ها روبه رو هستند. اکنون شاهدیم که حدود ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز چندین روز است که

در حال اعتراض به عدم پرداخت مزدهایشان هستند و این کارگران هم در صف اول مبارزه برای مطالبات مربوط به شغل خود می باشند و هم در خیابان در کنار سایر همشهریان خود علیه ریزگرد، آلودگی هوا، قطع شدن آب و برق و غیره دست به اعتراض می زنند. مردم اهواز حق دارند به خیابان ها بیایند و به این زندگی نکبت باری که جمهوری اسلامی برایشان تدارک دیده است اعتراض کنند. مردم خوزستان دریافته اند که تنها راه احقاق حقوق خود را باید در مبارزه در بستر خیابان پی گیری نمایند. کارگران گروه ملی فولاد و ... در کنار سایر مردم زحمتکش خوزستان، عرب، بختیاری، فارس از گردوخاک از قطع شدن برق و آب، از عدم پرداخت مزدهایشان، از بیکاری، و از فقر و سایر محرومیت ها رنج می برند. همه ما از درد مشترک رنج می بریم و خواست مشترک داریم و قطعاً مبارزه ما نیز باید در اعتراض، اعتصاب و تظاهرات خیابانی و در محیط کارخانه با اتحاد و همصدائی تجلی یابد. کارگران و زحمتکشان و همه مردم خوزستان دریافته اند که این امام زاده شفاء نمی دهد و برای رهائی از ستم های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و ملی راهی جز اتحاد و همبستگی و اعتراض ندارند. کسانی که بحران ریزگرد و بحران زیست محیطی و نابودی کارون و تالاب ها و نابودی زیر ساخت های اقتصادی را به وجود آورده اند و خود مسبب بی حقوقی، بیکاری و فقر می باشند، نمی توانند راه حلی برای پایان دادن به این بحران ها داشته باشند. حل همه این مشکلات و ستم ها با نیروی توانای توده های آگاه و متحد و متشکل کارگران امکان پذیر است.

#### **فعالان کارگری جنوب**

**فعالان کارگری شوش و اندیمشک**

**جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندرامام**

**کارگران پروژه های پارس جنوبی**

**جمعی از کارگران محور تهران - کرج**

**اسفند|حوت| ۱۳۹۵**

**[Kargaran.parsjonobi@gmail.com](mailto:Kargaran.parsjonobi@gmail.com)**